

Structure-Agent Framework in the Nuclear Policy-Making of the Ahmadinejad and Rouhani Administrations

Jalil Jafari

PhD. Student, Department of Political Science, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran. drjaliljafari@gmail.com

Seyyed Farshid Jafari-Baadi

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran (**Corresponding author**). Fjafari@gmail.com

Mehdi Khoshkhati

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran. drjaliljafari@gmail.com

Abstract

The present study seeks to conduct a comparative evaluation of the nuclear policies of the Mahmoud Ahmadinejad and Hassan Rouhani administrations from the perspective of David Easton's systems theory. The primary research question is whether systemic factors have led to differences in the approaches of the Ahmadinejad and Rouhani governments toward nuclear energy. The hypothesis posits that considering the systemic impact of domestic and international factors and the primacy of internal and international structural constraints over foreign policy decision-makers, despite the political and ideological differences between Ahmadinejad and Rouhani, the two presidents' approaches to nuclear energy have not significantly diverged. The research method employed in this dissertation is explanatory and utilizes a causal-structural mechanism. The results indicate that the Ahmadinejad administration, from the outset, pursued its nuclear policy by severing relations with major powers and disregarding sanctions imposed by the United Nations and the United States. However, with the rise of Hassan Rouhani to power, although he initially pursued a path of engagement with major powers regarding nuclear energy—ultimately culminating in an agreement known as the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) with world powers—his administration eventually reverted to the same policies and orientations that had been adopted by the Ahmadinejad government. The reason behind the similarity in nuclear policymaking between the two administrations, despite their distinct political perspectives, lies in the structure of the international system. The behavior of the Rouhani administration toward major powers on the nuclear energy issue, particularly after the U.S. withdrawal from the JCPOA, followed the same trajectory previously experienced by the

Ahmadinejad administration. Given the primacy of structure over agents in the international system, political ideologies and partisan affiliations have not significantly influenced the foreign policy decisions of the Islamic Republic of Iran regarding nuclear energy. Instead, the structural constraints of the international system have been the determining factors shaping Iran's foreign policy in this domain.

Keywords: Systems theory, nuclear energy, political structure, foreign policy, Iran, United States, JCPOA, Hassan Rouhani, Mahmoud Ahmadinejad.

ساختار - کارگزار در سیاست‌گذاری دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی برای مواجهه با چالش‌های هسته‌ای

جلیل جعفری: دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

drjaliljafari@gmail.com

سید فرشید جعفری پابندی: استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان،

ایران (نویسنده مسئول). Fjafariz@gmail.com

مهدی خوش خطی: استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

drjaliljafari@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر درصدد است از چشم‌انداز نظریه سیستمی دیوید ایستون، عملکرد دو دولت محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی را در قبال انرژی هسته‌ای مورد ارزیابی تطبیقی قرار دهد. سوال اصلی پژوهش این است که، آیا عوامل سیستمی موجب تفاوت رویکرد دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی نسبت به انرژی هسته‌ای شده است؟ فرض بر آن است که با عنایت به تاثیر سیستمیک داخلی و بین‌المللی، و تقدّم ساختار نظام داخلی و بین‌المللی بر تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، علی‌رغم تفاوت و اختلاف سیاسی احمدی‌نژاد و روحانی، رویکرد دو رئیس‌جمهور نسبت به انرژی هسته‌ای تفاوت چندانی نداشته است. روش پژوهش این رساله تبیینی و با بهره‌گیری از مکانیزم علی - ساختاری می باشد. نتایج نشان داد، دولت احمدی‌نژاد از همان ابتدا به قطع رابطه و بی‌توجهی به قدرت‌های بزرگ و بی‌تفاوتی به تحریم‌های اعمالی از سوی سازمان ملل متحد و دولت ایالات متحده آمریکا، سیاستگذاری هسته‌ای خود را در پیش گرفت. اما با به قدرت رسیدن حسن روحانی، هرچند مسیر تعامل با قدرت‌های بزرگ در ارتباط با انرژی هسته‌ای را در پیش گرفت و در نهایت به توافقی تحت عنوان برجام با قدرت‌های بزرگ دست یافت؛ اما در نهایت به همان سیاست و جهت‌گیری روی آورد که دولت احمدی‌نژاد در پیش گرفته بود. دلیل مشابهت سیاستگذاری هسته‌ای دو دولت با دو دیدگاه سیاسی متفاوت را باید در ساختار نظام بین‌الملل جستجو کرد. رفتار دولت روحانی در قبال قدرت‌های بزرگ، در موضوع انرژی هسته‌ای، بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، در همان مسیری قرار گرفت که پیش‌تر توسط دولت احمدی‌نژاد آن مسیر تجربه شده بود. با عنایت به تقدّم ساختار بر عواملان سیستم بین‌المللی، دیدگاه سیاسی و تعلقات جناحی و حزبی در سیاستگذاری خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران در موضوع انرژی هسته‌ای، تاثیری در سیاستگذاری‌های مربوط به این موضوع ندارد و این ساختار سیستم بین‌المللی است که تعیین‌کننده رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد انرژی هسته‌ای است.

کلیدواژه‌ها: نظریه سیستم‌ها، انرژی هسته‌ای، ساختار سیاسی، سیاست خارجی، ایران، آمریکا، برجام، حسن روحانی، محمود احمدی‌نژاد.

مقدمه

بی‌تردید، مهم‌ترین جنجال تاریخ دیپلماسی ایران بعد از ماجرای ملی‌شدن صنعت نفت، موضوع هسته‌ای است. شتاب زمانی در دهه کنونی، سیمای بحث هسته‌ای را بر دیگر موضوعات سیاست خارجی ایران مسلط کرد و تعارضات و مخالفت‌ها، از یک بحث هسته‌ای فراتر رفته و تا آنجا پیش رفت که تحریم‌ها و محاصره‌های اقتصادی در خاورمیانه، جنبه عقلانی یافت. موضع قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی نیز حساسیت مسئله هسته‌ای ایران را دوچندان کرد. روسیه، چین، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، در لوای رقابت‌های بین خود، هرگز گامی در جهت آرام کردن مسئله برنداشتند و اغلب از این بحران برای رفع مشکلات خود استفاده کرده و به‌نوعی به باج‌خواهی از ایالات متحده پرداخته و نسبت به ایران نیز، علاوه بر موضع دوپهلوی، نه حاضر به همکاری بودند و نه توان هرگونه همکاری را در خود احساس کردند. از طرفی، با اعلام دستیابی ایران به فناوری چرخه سوخت هسته‌ای، حیات خاورمیانه از هر جهت تحت تأثیر قرار گرفت. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحث انرژی هسته‌ای، در طول چند دهه گذشته و در دولت‌های گوناگون، رویکرد متفاوتی را در پیش گرفته است. به عبارتی، سیاست خارجی ایران در بحث انرژی هسته‌ای، علی‌رغم گفتمان‌هایی نظیر مقاومت، عدالت و خوداتکایی، رویکردهای متفاوتی را از سوی دولت احمدی‌نژاد و روحانی به دنبال داشته است. براساس مدل دیوید ایستون،^۱ سیستم‌ها در درون سیستم اجتماعی، شامل سیستم‌های باز (که از محیط تأثیر می‌پذیرند) و سیستم بسته می‌باشند. ایستون، با این مفاهیم توانست رابطه محیط را در سیستم سیاسی بررسی کند. او محیط را به محیط درون اجتماعی و برون اجتماعی تقسیم می‌کند. قلمرو زمانی تحقیق نیز شامل بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۲ و ۱۳۹۲-۱۴۰۰ می‌باشد. به‌طور کلی، هدف پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای اتخاذ سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی با تأثیرپذیری از فشارهای محیط پیرامونی و وضعیت اقتصادی در دو دولت، براساس مدل سیستم‌های دیوید ایستون می‌باشد و هدف نهایی، دستیابی به یک روش صحیح در دیپلماسی هسته‌ای کشور، با شرایط موجود و اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری صحیح در این حوزه است. تمایز و نوآوری پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین در این است که هیچ یک از تحقیقات قبلی، دیپلماسی هسته‌ای ایران را از منظر دیوید ایستون بررسی نکرده‌اند، یا کمتر بدان پرداخته‌اند. تمایزات اساسی این پژوهش عبارت است از: ترکیبی از توجه به دیپلماسی

¹ David Easton

هسته‌ای ایران در ارتباط با محیط بیرون. لذا، فرضیه پژوهش حاضر به این شرح است: به نظر می‌رسد براساس خواست و فشار نهادهای مدنی بر فرآیند دیپلماسی هسته‌ای، در دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی، اتخاذ دیپلماسی هسته‌ای در قبال اتحادیه اروپا و آمریکا، متفاوت از یکدیگر بوده است. همچنین، دیپلماسی هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد به دلیل اتخاذ رویکرد تهاجمی تقابلی، قطعنامه‌ها و تحریم‌های بسیاری علیه ایران، متوجه ساخت. در حالی‌که، دیپلماسی هسته‌ای دولت روحانی به دلیل تأثیرپذیری از سیاست تنش‌زدایی و نزدیکی با گفتمان اتحادیه اروپا و اصول حاکم بر نظام بین‌الملل، از ایجاد تنش برای کشور، جلوگیری و منافع جمهوری اسلامی ایران را بهتر تأمین نمود.

الف) پیشینه پژوهش

براساس یافته‌های مطالعاتی به عمل آمده، بررسی تطبیقی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی در بحث انرژی هسته‌ای، به‌طور اجمالی مورد بررسی قرار نگرفته و رویکرد دیپلماسی هسته‌ای این دولت‌ها، به‌طور جداگانه تحلیل شده است. به عنوان نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: نخست، مجموعه آثاری که بیشتر از جنبه ماهیت حقوقی به بحث هسته‌ای پرداخته‌اند، مانند تحقیقات غریب‌آبادی (۱۳۸۳، ۱۳۸۸)، اسدی (۱۳۸۵)، شاکر (۱۳۸۸)، قاسمی (۱۳۸۷)، گلشن‌پژوه (۱۳۸۷، ۱۳۸۳)، موسویان (۱۳۸۶)، هاشمی (۱۳۸۵). دوم، مجموعه آثاری که به رویکرد قدرت‌های بزرگ و کشورهای خاورمیانه در مورد دیپلماسی هسته‌ای پرداخته‌اند، مانند تحقیقات ایرانی‌دوست (۱۳۸۷)، محمدعلی بصیری و مصطفی قاسمی (۱۳۸۵)، رضا چراغ‌افروز (۱۳۸۶)، حسینی (۱۳۸۴)، قهرمانپور (۱۳۸۷)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۶)، قنبرلو (۱۳۸۷). سوم، مجموعه آثاری که به‌طور خاص به پژوهش در مورد دیپلماسی هسته‌ای اقدام نموده‌اند، مانند آثار طباطبائی (۱۳۹۰)، حمیدی (۱۳۸۵)، حق‌شناس (۱۳۹۰)، رسولی ثانی‌آبادی (۱۳۹۰)، هرسیج و بری‌گنبد (۱۳۸۵)، عباسی (۱۳۹۰)، وزیری (۱۳۸۷)، بلوچی (۱۳۷۸)، خلیلی (۱۳۹۰)، فلاحتی (۱۳۸۸) و هادیان (۱۳۸۸). چهارم، آثار محدودی که به دیپلماسی هسته‌ای سایر کشورها در ارتباط با ایران پرداخته‌اند، مانند آثار رستمی (۱۳۶۸)، شفیعی (۱۳۸۸)، قهرمان‌پور (۱۳۸۸)، سجاده‌پور و کریمی‌قهرودی (۱۳۹۰). پنجم، مجموعه آثار و گزارش‌های بسیاری در خارج از ایران که به بحث از جنبه‌های گوناگون (رویکردها، تأثیرات، تعارضات و امنیتی شدن هسته‌ای و تأثیرات هسته‌ای) پرداخته‌اند، مانند آثار کاتزمن (۲۰۰۸). ترکیبی از توجه به ارتباط دادن امنیت خاورمیانه با ماهیت پرونده هسته‌ای ایران و توجه به هنجارها و نگاه‌های متفاوت، در این آثار مورد تأکید قرار گرفته است.

ب) چارچوب نظری ساختار-کارگزار

نظریه سیستم‌ها،^۲ نظریه‌ای جامع و کل‌نگر است. از نظر دیوید ایستون، سیستم عبارت است از تعدادی عنصر که با یکدیگر ارتباط‌هایی دارند. با تکیه بر این تعریف، سیستم، موجودیتی است متشکل از عناصری مرتبط و متعامل؛ که این ارتباط و تعامل، نوعی کلیت و تمامیت به آن می‌بخشد. هنگامی که این تعریف در روابط بین‌الملل به کار برده می‌شود، چنین برداشت می‌گردد که: «نظام بین‌المللی که از مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی مستقل (دولت‌ها) تشکیل شده است که همواره در تعامل با یکدیگر به سر می‌برند». از

^۲ systems theory

ویژگی‌های برجسته این نظریه، تطبیق و سازگاری آن با نظام بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی (داخلی) است؛ یعنی می‌توان دنیا یا منطقه‌ای از آن و یا یک کشور را به صورت «نظام یا سیستم» تصور کرد. مفهوم نظریه سیستم، ابتدا در زیست‌شناسی، آنگاه در علوم رفتاری و در نهایت، در علم سیاست و روابط بین‌الملل مطرح گردید. دانشمندان بیولوژی، چرخه‌های حیات در میان موجودات زنده را به «سیستم» تشبیه کردند. عالمان علوم اجتماعی با استفاده از این مفهوم، انسان و جامعه را به صورت یک سیستم به تصویر کشیدند و نظریه‌پردازان بین‌المللی نیز مجموعه دولت‌ها و سایر بازیگران را به‌مثابه سیستم در نظر می‌گیرند.

۱- عوامل تأثیرگذار بر دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی نسبت به انرژی هسته‌ای براساس مدل دیوید ایستون

نکته مهم در نظریه دیوید ایستون، این است که چنانچه یک طرف قضیه، چنین تشخیص دهد که انجام ندادن معاهده بهتر از هرگونه معاهده بالقوه پیشنهادی از طرف دیگر می‌باشد، به هیچ عنوان توافقی در کار نخواهد بود. مهم‌ترین چالش برای مذاکرات، یافتن توافقی است که در چشم هر دو طرف، بهتر از پیش‌شرط‌های وجود معاهده (جنگ و یا دستیابی به قابلیت‌های هسته‌ای) باشد. بهره‌گیری از این نظریه دیوید ایستون ممکن است پیش‌نیازی برای موفقیت دیپلماتیک به‌نظر برسد. در صورتی که امکان ایجاد چنین نظریه‌ای وجود نداشته باشد، باید وضعیت ناخوشایندی در نظر گرفته شود.

جدول ۱- شاخص‌های دیوید ایستون

شاخص‌ها	تعریف
خط قرمزها	خط قرمزهای مذاکرات حول دو محور شکل گرفته‌اند. یک محور نشان دهنده ارزش‌های ایالات متحده بوده و محور دیگر نشان دهنده ارزش‌های ایران است. بهترین گزینه‌ها برای ایران و خط قرمز طرف مقابل شامل (زرادخانه‌های بزرگ هسته‌ای، تسلیحات و قابلیت پنهان) می‌باشد، و (عقب‌گرد و فریز کردن)، بهترین حالت‌ها برای ایالات متحده و خط قرمز ایران به‌شمار می‌روند.
تاکتیک‌ها	نمونه‌هایی که در آنها معاهده‌هایی مستقیم صورت گرفته‌اند و یا واسطه‌ها نقش داشته‌اند (غیرمستقیم)، مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه، گفت‌وگوهای غیرمرتبط و برقراری رابطه یا مستقیم سر اصل مطلب رفتن
طراحی معاهده	این امر به معنای ساختاربندی خلاقانه توافقی‌های بالقوه است، به‌گونه‌ای که می‌توانند ارزش تمامی طرف‌ها را به‌حداکثر میزان رسانده و حالتی پایدار را اثبات نمایند.
معماری مذاکرات	این بُعد در حوزه تنظیمات مذاکرات قرار می‌گیرد، و شامل: طرفین مذاکرات، منافع آنها و کنش‌های تأثیرگذار بر عوامل می‌باشد.

۲- دیوید ایستون و مذاکرات هسته‌ای

همانطور که گفته شد، چارچوب دیوید ایستون دارای چهار شاخص خط قرمزهای مذاکرات، تاکتیک‌های مذاکرات، طراحی معاهده و معماری مذاکرات می‌باشد. در ادامه، به بررسی مقایسه‌ای روند مذاکرات هسته‌ای در طول دو دوره ریاست‌جمهوری (احمدی‌نژاد و روحانی) با استفاده از این شاخص‌ها پرداخته می‌شود.

۳- خط قرمزهای مذاکرات

احمدی‌نژاد و یارانش معتقد بودند باید نظم و قواعد سیاسی موجود را، که غرب بر نهادهای بین‌المللی تحمیل کرده، نفی کنند و همزمان شرایطی را به وجود آورند که قدرت‌های غربی را وادار به پذیرش قدرت ایران نمایند. این امر باعث شد، با وجود صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، قدرت‌های غربی به این نتیجه برسند که ایران از خط قرمزهای آنان که شامل دستیابی به تسلیحات می‌باشد، عبور کرده است. احمدی‌نژاد در همان ابتدای دوران ریاست‌جمهوری، پیشنهاد سه کشور اروپایی و قطعنامه ۲۰ مرداد ۱۳۸۴، مبنی بر تعلیق غنی‌سازی را رد کرد (Kessler & Glenn, 2007, p. 24). متعاقب این تحولات، ایران در ۱۰ دی‌ماه در حضور کارشناسان آژانس با برداشتن مهر و موم‌ها، از تأسیسات نطنز، رفع تعلیق نمود؛ که با واکنش شدید اروپا و ایالات متحده مواجه شد (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۰، ص ۲۲۸-۲۲۷). جمهوری اسلامی، در پاسخی عملی به قطعنامه ۱۷۴۷، در ۲۰ فروردین ۱۳۸۶، ورود به مرحله تولید صنعتی سوخت هسته‌ای و قرار گرفتن در زمره کشورهای تولیدکننده سوخت هسته‌ای را با حضور رئیس‌جمهور در مجتمع غنی‌سازی نطنز جشن گرفت (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵-۲۳۳). محمود احمدی‌نژاد در ۱۲ فروردین ۱۳۸۷ اعلام کرد، ایران با راه‌اندازی سانتریفیوژهای جدید، سرعت غنی‌سازی اورانیوم را تا پنج برابر، افزایش خواهد داد. او همچنین گفت، ایران ۶۰۰۰ سانتریفیوژ نصب کرده و درصدد است تعداد آنها را به ۵۰۰۰۰ برساند؛ و بعد از آن، در آستانه ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ دستور آغاز غنی‌سازی ۲۰ درصدی را صادر کرد (قهرمان‌پور، ۱۳۹۵، ص ۲۸۱).

با روی کار آمدن حسن روحانی و اظهارات وی مبنی بر تعامل با جهان بر پایه احترام متقابل، استقبال طرفین غربی از این موضع دولت روحانی، سخنرانی مقام رهبری مبنی بر نرمش قهرمانانه و همچنین گفته‌های قدرت‌های غربی مبنی بر اینکه برنامه هسته‌ای ایران متوقف نخواهد شد؛ به معنای رعایت خط قرمزهای دو طرف مذاکره بود. روحانی در ۲۰ بهمن سال ۱۳۹۱ در مصاحبه‌ای در مورد روابط ایران و ایالات متحده گفت: «اگر آمریکایی‌ها صداقت نشان دهند و آماده حل معضلات بین دو کشور باشند، بازی برد-برد امکان‌پذیر است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴، ص ۷۱-۵۲). آیت‌الله خامنه‌ای نیز در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران در دوران احمدی‌نژاد به دلیل مواضع تند وی و یارانش عنوان کرد کشورهای غربی با وجود صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، احساس کردند که ایران از خط قرمزهای آنها که شامل تسلیحات، زرادخانه‌های بزرگ هسته‌ای و قابلیت پنهان می‌باشد، عبور کرده است (خالوزاده، ۱۳۹۱، ص ۶۷-۵۰). با روی کار آمدن دولت روحانی، گفته‌های وی در رابطه با مذاکرات برد-برد، و گفته‌های قدرت‌های غربی مبنی بر این‌که برنامه هسته‌ای ایران متوقف نخواهد شد، به معنای رعایت خط قرمزهای دو طرف مذاکره و در نهایت رسیدن به یک توافق جامع بود.

۱-۱- تاکتیک‌های مذاکرات

۱-۱-۱ مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم (واسطه‌ها)

در دوران احمدی‌نژاد، ایران با تمام کشورهای گروه ۵+۱ مذاکرات مستقیم داشت. اولین نشست از این نوع، میان مقامات ایالات متحده و ایران پس از سه دهه در مهر ۱۳۸۸ برگزار شد. این اولین مذاکره رسمی و مستقیم یک مقام عالی‌رتبه ایرانی با یکی از مقام‌های ایالات متحده در ۳۰ سال گذشته بود (Vishwanaathan, 2016, p. 12). علاوه‌بر این، ایران در این دوره از طریق عمان (واسطه) با ایالات متحده مذاکرات محرمانه‌ای را برقرار کرد (Sterio, 2016, p. 72). علی‌اکبر صالحی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، در گفت‌وگوی تفصیلی با ماهنامه دیپلمات، با اشاره به جزئیات بیشتری از مذاکرات محرمانه ایران و ایالات متحده در دولت احمدی‌نژاد، گفت که مذاکرات محرمانه با ایالات متحده با یادداشت مشاور سلطان قابوس کلید خورد (صالحی، ۱۳۹۴، ص ۲۸-۲۵).

در دوران روحانی، ایران مذاکرات مستقیم گسترده‌ای نیز با کشورهای روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان و همچنین ایالات متحده به‌عنوان طرف اصلی بحران هسته‌ای ایران داشت. علاوه‌بر این، در این دوره ایران و ایالات متحده، از طریق عمان به مذاکرات محرمانه ادامه دادند. به گزارش انتخاب، سلطان قابوس، پادشاه عمان، نقشی کلیدی در مذاکرات محرمانه ایران و ایالات متحده که منجر به توافق تاریخی هسته‌ای ژنو شد، دارد. این مذاکرات از نزدیک‌ترین دوستان ایالات متحده، از جمله گروه ۵+۱ و اسرائیل پنهان شده بود (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۳۹۲/۹/۴).

به‌طور کلی می‌توان گفت، در دوران احمدی‌نژاد خط قرمز مذاکره با ایالات متحده برداشته شد. علاوه‌بر این، ایران در این دوره، از طریق عمان با ایالات متحده، دو دور مذاکرات محرمانه برقرار کرد. در این دوره، با وجود اجازه مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم با ایالات متحده، تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان از این فرصت استفاده نکرد و نتوانست به راه‌حلی در زمینه هسته‌ای دست یابد. با روی کار آمدن حسن روحانی، مذاکرات محرمانه غیرمستقیم بین ایران و آمریکا ادامه پیدا کرد. علاوه‌بر این، ایران به‌صورت گسترده با ایالات متحده و دیگر کشورهای گروه ۵+۱ مذاکرات مستقیم داشت، که همین مذاکرات، راه را برای رسیدن به توافق هموارتر کرد. (خالوزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

۱-۱-۳ مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه

در دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، بیشتر مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ به صورت چندجانبه برگزار گردید. بعد از ارسال نامه علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت، به محمد البرادعی در رابطه با آمادگی ایران برای مذاکره با آژانس جهت حل و فصل موضوع هسته‌ای، خاویر سولانا به نمایندگی از کشورهای ۵+۱ در ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ جهت ارائه بسته پیشنهادی جدید شش کشور وارد تهران شد. پس از آن، ایران اعلام کرد پس از بررسی کارشناسی این بسته تا آخر مرداد ۱۳۸۵ آماده مذاکره در مورد آن خواهد بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۵۴۱). بعد از این، در ۱۸ شهریور ۱۳۸۵، علی لاریجانی برای دیدار با خاویر سولانا راهی وین شد. آنها توافق کردند دیدارهایشان یک هفته بعد در وین ادامه پیدا کند؛ اما در ۲۲ شهریور، خبر لغو ناگهانی دیدارشان اعلام شد و اگرچه هر دو طرف به صورت جداگانه از دیدار و مذاکرات بعدی‌شان در نیویورک خبر دادند؛ اما این گفت‌وگوها به‌رغم آنکه هر دو طرف مذاکره‌کننده آن را مثبت و سازنده توصیف می‌کردند، با شکست مذاکرات در برلین در مهر

۱۳۸۵، به حالت تعلیق درآمد. بار دیگر، مذاکرات لاریجانی و سولانا در ۵ اردیبهشت در آنکارا از سر گرفته شد. مذاکرات در ۹ خرداد در مادرید و ۲ تیر در لیسبون ادامه پیدا کرد (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳، ص ۲۹۰-۲۹۲). دوره دوم، با استعفای علی لاریجانی و انتصاب سعید جلیلی به دبیری شورای عالی امنیت ملی، شروع می‌شود. با روی کار آمدن جلیلی، مذاکرات بین وی و خاویر سولانا در رم، در ۱۲ آبان ۱۳۸۶ و با حضور علی لاریجانی، برگزار شد. در ادامه مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در آذر ۱۳۸۶، سعید جلیلی و خاویر سولانا در لندن پای میز مذاکره نشستند (دارمی، ۱۳۸۷، ص ۲۷-۳۳). براین اساس، بغداد، بیروت و حتی دمشق که کشور درگیر جنگ داخلی بود، به عنوان گزینه‌های پیشنهادی ایران برای میزبانی از مذاکرات مطرح شد؛ که پس از کش و قوس‌های فراوان، دو طرف ابتدا روی بغداد و در ادامه، مسکو و آلماتی به توافق رسیدند (دارابی و احدی، ۱۳۹۶، ص ۴۶-۵۰).

در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی، از همان ابتدا ایران با کشورهای ۵+۱ چه به صورت چندجانبه و یا دوجانبه مذاکرات گسترده‌ای را آغاز کرد. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، و کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در اول مهرماه ۱۳۹۲ و در حاشیه نشست مجمع عمومی، با یکدیگر دیدار کردند (Heinonen, 2014, p. 2). دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در ژنو سوئیس، تحت عنوان ژنو ۳، برگزار و منجر به شکل‌گیری توافق ژنو شد. بعد از آن، در آبان ۱۳۹۳، وین برای هشتمین بار میزبان مذاکره‌کنندگان برای رسیدن به تفاهم بود؛ تا قبل از آنکه سوم آذر، به عنوان مهلت قانونی توافق‌نامه ژنو به پایان رسد، زمینه‌ای برای تفاهم جامع فراهم شود (دریایی، ۱۳۹۴، ص ۵۹۲-۵۸۹). در تداوم مذاکرات هسته‌ای با ترکیب جدید و با حضور وزرای انرژی ایران و ایالات متحده، مذاکرات گسترده‌ای از ۱۱ تا ۱۴ اسفند ۱۳۹۳ در مونتره سوئیس برگزار شد (Sterio, 2016, p. 74). مذاکرات هسته‌ای بعدی، تحت عنوان لوزان، ۲ فروردین ۱۳۹۴ بین نمایندگان ایران و گروه ۵+۱ آغاز شد. این مذاکرات، منجر به صدور بیانیه تفاهم هسته‌ای لوزان در ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ گردید. این تفاهم‌نامه به ایران و گروه ۵+۱ برای رسیدن به یک توافق جامع تا ۹ تیر ۱۳۹۴ فرصت داد (Buzan, 1984, p. 21). بعد از توافق لوزان، مذاکرات گسترده‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ برای دستیابی به توافق جامع شکل گرفت.

۴-۱-۱ گفت‌وگوهای غیرمرتبط یا مستقیم پیرامون پرداختن به اصل مطلب

در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان به جای تمرکز بر موضوع هسته‌ای، موضوعات دیگری را مطرح می‌کردند. در مذاکرات ژنو ۲، سعید جلیلی در گفت‌وگوهای صریح و روشن خود با خاویر سولانا تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران از حقوق حقه خود به هیچ عنوان منصرف نخواهد شد» (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۸۸/۷/۱۰). جلیلی در کنفرانس خبری مذاکرات ژنو ۳ گفت: «ما آمادگی همکاری در زمینه‌های مختلف را با جامعه جهانی داریم. امروز ایران بیش از همیشه در بهترین شرایط سیاسی، اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد» (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۸۹/۹/۱۶). بعد از مذاکرات بغداد، سعید جلیلی در کنفرانس خبری حاضر شد و اظهار داشت: «ایران در بسته پیشنهادی خود در بخش موضوعات غیرهسته‌ای، مسائل بحرین و امنیت انرژی را مطرح کرد و گروه ۵+۱ نیز موضوعات دزدی دریایی و امنیت آبراه‌های دریایی و مبارزه با مواد مخدر را مطرح کردند» (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۹۱/۱۲/۱۳). علاوه بر این، یکی از شرط‌های ایران در دور اول مذاکرات

آلمانی، لزوم وارد کردن موضوعات منطقه‌ای، از جمله بحرین و سوریه به مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ و گسترش دستور کار گفت‌وگوها و رای مباحث هسته‌ای معمول بود.

در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی، تمرکز دو طرف مذاکره بر روی حل مناقشه هسته‌ای بود. محمدجواد ظریف در روند مذاکرات هسته‌ای تأکید کرد که: «موضوع گفت‌وگو با گروه ۵+۱ فقط برنامه هسته‌ای ایران است و هیچ موضوع دیگری از جمله توان نظامی ایران در این گفت‌وگوها نیست».

به‌طور کلی می‌توان گفت، در دوره احمدی‌نژاد، به‌جای تمرکز بر موضوع هسته‌ای، تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان موضوعات دیگری را مطرح می‌کردند؛ که هیچ ربطی به مذاکرات هسته‌ای نداشت. این حاشیه‌پردازی‌ها در دوره احمدی‌نژاد باعث شد که از پرداختن به مسئله اصلی که برنامه هسته‌ای بود، غفلت کنند. اما در دوره روحانی، تمرکز اصلی دو طرف مذاکره، بر روی حل مناقشه هسته‌ای بود و سعی بر این بود که برخلاف دو دوره گذشته از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای خودداری کنند.

۵-۱-۱- طراحی معاهده

هدف از این توافق، رسیدن به یک راه‌حل بلندمدت مورد توافق دو طرف درباره ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران بود. این توافق دارای سه بخش مقدمه، گام اول و گام نهایی می‌باشد. در چارچوب توافق ژنو، عناصر گام اول دارای دوره زمانی ۶ ماهه بود. در این دوره، دو طرف دارای تعهداتی بودند (زهرانی، ۱۳۸۳، ص ۵۲۲-۴۴۷). گام نهایی که باید ظرف مدت یک سال از تصویب توافق ژنو اجرایی می‌شد، تدوین راه‌حلی جامع بود. به همین دلیل از ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، سلسله گفت‌وگوها و مذاکره‌هایی میان ایران و گروه ۵+۱ آغاز شد (Kamrava, 2008). به‌طور کلی می‌توان گفت، طراحی معاهده یعنی توافقی که مسیر آینده از نقطه شروع تا پایان، مسائل مورد مذاکره، دشواری‌ها، هدف مطلوب، زمان لازم، مکان مذاکره و... را مشخص می‌کند.

۶-۱-۱- طرفین مذاکرات

با روی کار آمدن احمدی‌نژاد، گروه ۵+۱ جایگزین سه کشور اروپایی شدند. خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و نماینده گروه ۵+۱ در ۱۶ خرداد ۱۳۸۵، بسته پیشنهادی ۵+۱ را در اختیار ایران قرار داد و در ادامه، علی لاریجانی برای گفت‌وگو در رابطه با این بسته در تیر ۱۳۸۵ با گروه ۵+۱ (به جز ایالات متحده) دیدار کرد (عباسی، ۱۳۹۱، ص ۲۱). در این دوره، خط قرمز مذاکرات ایران با ایالات متحده، برداشته شد. همین امر باعث شد که ایالات متحده هم وارد مذاکرات هسته‌ای ایران شود. دور اول مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در مهر ۱۳۸۸ آغاز گردید. رئیس‌جمهور ایالات متحده تصمیم گرفته بود، ویلیام برنز، معاون وزیر امور خارجه را به‌عنوان نماینده عالی‌رتبه، راهی مذاکرات کند (موسویان، ۱۳۹۴، ص ۴۴۰). آیت‌الله خامنه‌ای با بیان تعبیر «نرمش قهرمانانه» ضمن تأیید راهبرد سیاست خارجی، اختیارات کامل و بی‌سابقه‌ای را به رئیس‌جمهور در جهت پیشبرد این رویکرد اعطاء نمودند (غیور و جعفری، ۱۳۹۵، ص ۹۵).

۷-۱-۱- منافع

محمود احمدی‌نژاد و تیم مذاکره‌کننده‌اش، منافع هسته‌ای ایران را در ادامه روند غنی‌سازی اورانیوم می‌دیدند و خواهان مذاکره بعد از غنی‌سازی بودند. این استراتژی، در گفتار و رفتار رئیس‌جمهور و یارانش قابل مشاهده می‌باشد. حمیدرضا آصفی، سخنگوی

وزارت خارجه ایران، در رابطه با پیشنهاد سه کشور اروپایی در ۱۴ مرداد ۱۳۸۴، اظهارداشت: «پیشنهاد اروپا قابل قبول نیست؛ زیرا در آن ایران از حق غنی سازی اورانیوم محروم می شود» (گلشن پژوه، ۱۳۸۳، ص ۳۰). علی لاریجانی نیز با تأکید بر سیاست هسته ای دولت احمدی نژاد، اعلام کرد که ایران ضمن پذیرش ادامه همکاری با آژانس، به هیچ وجه در مورد تعلیق و توقف غنی سازی مذاکره نمی کند (دارابی و احدی، ۱۳۹۶، ص ۴۹). سعید جلیلی نیز بعد از پایان مذاکرات آلمانی گفت: «دو محور اساسی که در این گفت وگوها برای جلب اعتماد ملت ایران بیان شد، عبارتند از: شناسایی حق غنی سازی و پایان دادن به رفتارهایی که نشانه دشمنی با ملت ایران است» (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۹۲/۱/۱۷). علاوه بر این، دولت احمدی نژاد در واکنش به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل، این قطعنامه ها را اقدامی سطحی و ناچیز توصیف کرد و گفت که ایران هیچ نگرانی از صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت ندارد (دارابی و احدی، ۱۳۹۶، ص ۴۷).

یکی از مهم ترین تحولات در زمان آغاز به کار دولت روحانی، سپردن مسئولیت مذاکرات هسته ای به وزارت امور خارجه بود. تا قبل از آن، شورای عالی امنیت ملی، مسئولیت مذاکرات را برعهده داشت؛ که خود به موضوع هسته ای وجهه ای امنیتی می داد (دارابی و احدی، ۱۳۹۶، ص ۵۱). به دلیل همین رویکردها، روحانی در شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، از آمادگی کشور برای گفت وگوهای بدون تأخیر برای اعتمادسازی متقابل و رفع دوسویه ابهامات، از طریق شفافیت کامل خبر داد (Duncombe, 2016, p. 622-623).

به طور کلی می توان گفت، منفعتی که تیم مذاکره کننده هسته ای ایران در این دو دوره ریاست جمهوری دنبال می کردند، ادامه روند غنی سازی بود؛ اما هرکدام از این دولت ها روش متفاوتی را برگزیدند: در دوران احمدی نژاد، اصول گرایان، منافع هسته ای ایران را در ادامه روند غنی سازی اورانیوم می دیدند. اما حسن روحانی معتقد بود که مسئله هسته ای باید در کنار سایر منافع ملی مردم در نظر گرفته شود. به همین دلیل، روحانی و تیم مذاکره کننده اش برخلاف دولت احمدی نژاد، تلاش کردند که با جهان خارج تعامل برقرار کنند و ضمن حفظ برنامه هسته ای ایران، به کاهش فشارهای بین المللی بپردازند. منفعتی که طرف مقابل ایران دنبال می کرد، تعلیق غنی سازی برنامه هسته ای ایران بود؛ اما نوع برخورد طرف غربی در هرکدام از این دو دوره ریاست جمهوری متفاوت بود. در دوره احمدی نژاد، مواضع تند وی و یارانش باعث شد که مواضع کشورهای اروپایی به ایالات متحده نزدیک تر شود (قهرمان پور، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵). اما در دوره روحانی، مواضع کشورهای گروه ۵+۱ به دلایلی تغییر یافته بود: الف) نگران این بودند که ایران به سمت تسلیحات هسته ای حرکت کند؛ ب) متوجه شده بودند که تحریم ها نمی تواند به ریشه کن کردن برنامه هسته ای ایران کمک کند؛ پ) عدم یکپارچگی در شورای امنیت سازمان ملل گزینه اقدام نظامی علیه ایران را منتفی می کرد (Mahapatra, 2016, p. 37). بنابراین، آنها دریافتند که منافعی که با اعمال تحریم های بیشتر علیه ایران و فشار بر ایران برای تعلیق غنی سازی تأمین نمی شود، بنابراین، مواضع شان را تغییر دادند (خلیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲).

در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، اعضای دائم شورای امنیت به همراهی کشور آلمان، مذاکرات هسته‌ای با ایران را پیش بردند. اهم مذاکرات هسته‌ای در این دوران را می‌توان چنین برشمرد: مذاکرات لیلسون، لندن، ژنو ۱، ژنو ۲، ژنو ۳، استانبول ۱، استانبول ۲، بغداد، مسکو، آلمانی ۱ و آلمانی ۲.

در دوره احمدی نژاد، مذاکرات عموماً در سطح معاونین و کارشناسان برگزار شده و شاید به همین دلیل فاقد عنصر اراده سیاسی برای به نتیجه رسیدن بود (بصیری و قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹-۱۰۴). به طوری که در اکثر این مذاکرات، توافقی حاصل نشد و اغلب در نشست‌های مطبوعاتی پس از مذاکرات، دو طرف فقط بر این نکته تأکید داشتند که فضای مذاکرات، مثبت و سازنده است و اندکی به مواضع یکدیگر نزدیک شده‌اند؛ اما هنوز راه زیادی تا توافق وجود دارد. در برخی دیگر از دوره‌های مذاکرات، ایران و قدرت‌های جهانی، تنها به این نتیجه دست می‌یافتند که دور بعدی مذاکرات در چه مکان و زمانی باشد. درواقع، بیش از آنکه تمرکز بر سر مسائل اصلی؛ یعنی پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها علیه ایران باشد، بحث و جدل درباره مسائل حاشیه‌ای و فرعی مانند محل مذاکرات مطرح می‌شد. هفته‌ها و ماه‌ها، ایران و اتحادیه اروپا درباره مسائلی مانند برگزاری مذاکرات در آلمانی و بغداد یا ورود به موضوعاتی مانند وضعیت سوریه و بحرین، در حال تماس و تبادل نظر بودند و وقت می‌گذرانیدند. در دور دوم مذاکرات آلمانی، جلیلی، مذاکره‌کننده ارشد جمهوری اسلامی اعلام کرد: «کلید حل مذاکرات رو به جلو یک کلمه است و آن هم اینکه ۵+۱ صریحاً بگوید حق غنی‌سازی ایران را قبول دارد»؛ اما طرف مقابل، حتی از پذیرش چنین حقی نیز طفره رفت. در نتیجه، نمایندگان ایران و ۵+۱ در پایان مذاکرات آلمانی ۲، ضمن تأیید فاصله میان دیدگاه‌های دو طرف و حتی بدون تعیین زمان و مکان بعدی مذاکرات، فقط اعلام کردند که مذاکرات پس از مشورت کاترین اشتون با وزرای خارجه غربی، ادامه پیدا خواهد کرد (ازغندی، ۱۳۹۴). درواقع، برخلاف فضای پس از مذاکرات آلمانی ۱، که هنوز هم امید به حل و فصل موضوع هسته‌ای و به نتیجه رسیدن مذاکرات وجود داشت؛ پس از دور دوم مذاکرات، چشم‌انداز مبهم‌تر شد و حتی منابع خبری، از تعبیری چون بن‌بست یا وقفه در مذاکرات سخن به میان آوردند. به‌طور کلی، تعاملات و مذاکرات جمهوری اسلامی و گروه ۵+۱ در دوران احمدی نژاد، توسط مقامات میانی دو کشور صورت گرفت، موضوع آنها محدود به تأمین برخی منافع مشترک و نه حل اختلافات فی مابین بود. از لحاظ زمانی نیز، مذاکرات به درازا نینجامیده و نهایتاً نیز به توافق رسمی منجر نشدند (عیوضی و نوازی، ۱۳۹۳، ص ۷۴-۳۹).

۹-۱-۱ نقش شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه در مذاکرات هسته‌ای

پیچیدگی‌های سیاسی و امنیتی پرونده هسته‌ای و ابعاد مختلفی که پیگیری مباحث آن، حداقل در دو سطح مذاکرات سیاسی با کشورهای اروپایی و نحوه همکاری‌ها با آژانس که مکمل هم بوده و در یک مجموعه سیاسی قرار می‌گرفتند، به‌خوبی نشان می‌داد که مدیریت واحدی که چنین پرونده‌ای را هدایت کند، باید نقشی فراتر از قوه مجریه داشته باشد. به این ترتیب بود که، امکان مدیریت این پرونده توسط شورای عالی امنیت که براساس قانون اساسی، عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیر در کشور در حوزه‌های امنیتی بود، پیشنهاد شد و به تصویب دولت خاتمی رسید (فلاحی، ۱۳۸۶، ص ۵۳-۸۶).

بنابراین، فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام در پرونده هسته‌ای، اینگونه بوده که سیاست‌های کلان با مشورت شورای هسته‌ای، از سوی رهبری، ابلاغ و توسط رئیس‌جمهور و در تعامل با شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده منتقل

و توسط آنان اجرایی می‌شده است. البته این فرآیند در تمام ۱۳ سال گذشته به همین منوال نبوده و گاهی به صورت نسبی، نقش کمرنگ‌تر و یا پررنگ‌تری را در فرآیند ایفا کرده است. در دوره دوم احمدی‌نژاد، نقش شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه آن بسیار پررنگ و نقش وزارت امور خارجه بسیار کمرنگ شده بود (گلشن پژوه، ۱۳۸۴، ص ۹۴).

۸-۱-۱- کنش‌های تأثیرگذار

تنها کنش تأثیرگذار از جانب ایران در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد این بود که هیأتی به سرپرستی اولی هابنون، معاون امور پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در تیر ۱۳۸۶ برای انجام مذاکرات وارد تهران شدند. در پایان این گفت‌وگوها، دوطرف بر سر یک برنامه کاری برای پاسخ ایران به سؤالات باقیمانده آژانس، درباره فعالیت‌های هسته‌ای این کشور به توافق رسیدند. تهران، اعلام کرد به بازرسان آژانس اجازه می‌دهد از تأسیسات هسته‌ای اراک دیدن کنند. در مقابل، کشورهای گروه ۵+۱ با توجه به توافق ایران و آژانس، اعمال تحریم‌ها علیه ایران را تا شهریور ۱۳۸۶ به تعویق انداختند (Kelly, 2013, p. 5).

همچنین، تحریم‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده بر صادرات پتروشیمی ایران، طلا و فلزات گران‌بها و تحریم‌های ایالات متحده بر صنعت خودرو را به حالت تعلیق درآوردند و قطعنامه‌های جدیدی در رابطه با تحریم هسته‌ای، از جانب شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده صادر نشود (Kelly, 2013, p. 1). علاوه بر این، در زمان تمدید توافق ژنو در مذاکرات وین ۸، آمریکا متعهد شد که از دارایی‌های مسدود شده ایران، ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار آزاد خواهد کرد. متقابلاً، ایران پذیرفت هر ماه ۵ کیلو از ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصدی خود را به صفحات سوخت منتقل کند (دریایی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۱).

۹-۱-۱ مدل بهینه

جمهوری اسلامی ایران در دوره دولت نهم و تا حدی دهم با توجه به دگرگونی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، تحت تأثیر بازی ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان به منظور خنثی کردن استراتژی فروپاشی و منزوی کردن حکومت ایران، که در دستور کار آمریکا قرار داشت، به تجدیدنظر در سیاست خارجی ایران (سیاست هسته‌ای) روی آوردند. در دستور کار قرار گرفتن پرونده ایران در شورای امنیت که با فشارهای آمریکا همراه بود، به این معنی بود که فعالیت‌های هسته‌ای ایران با مسئله صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط است (زلفعلی فام، ۱۳۹۴). قدرت‌های بزرگ و در رأس آن، آمریکا با تصویب چند قطعنامه بر اساس ماده ۱۴ منشور ملل متحد، مجازات‌هایی را علیه ایران اعمال کردند تا گزینه تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای را برای ایران، عقلایی جلوه دهند. با این حال، ایران همچنان سیاست مقاومت در پیش گرفته و به این قطعنامه‌ها اعتنایی نداشته است. در پاسخ به سؤال چرایی و چگونگی تغییر در سیاست هسته‌ای ایران، می‌توان با تکیه بر سطوح مختلف ساختار-کارگزار و از منظر تئوری‌های مختلف روابط بین‌الملل و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، تحلیل‌های متفاوتی ارائه کرد. از میان رهیافت‌های نظری گوناگون، این پژوهش علت اصلی تغییر در رفتار سیاست خارجی ایران در حوزه هسته‌ای را از منظر سطح تحلیل خرد و نقش کارگزاری با تکیه بر رویکرد فردگرایی تفسیری، مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که علت اصلی تغییرات در سیاست هسته‌ای دولت روحانی را بایستی در تغییر ادراکی و برداشتی تصمیم‌گیران اصلی سیاست خارجی از جمله شخص رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه

و تصاویری که این افراد از خود، سایر کنش گران و عوامل ساختاری نظام بین الملل نسبت به دوره قبل دارند، جستجو کرد. این تغییرات ادراکی در سطح ذهن کنشگران، منجر به تغییراتی در عرصه تصمیم گیری مربوط به حوزه هسته ای نیز شد.

نتیجه گیری

در این پژوهش، با توجه به آموزه های رویکرد تصمیم گیری و سازه انگاری، از قبیل نقش افراد تصمیم گیرنده و باورهای ذهنی آنها، تأکید بر هویت و تأثیر هنجارها بر شکل گیری منافع و تصویر دولت ها از یکدیگر، همچنین رابطه متقابل ساختار - کارگزار، سعی شد دیپلماسی هسته ای در دوران احمدی نژاد و روحانی مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. در رقابت با گفتمان اصلاح طلبی، پرونده هسته ای در گفتمان اصول گرا برجستگی خاصی یافت. چرا که فعالیت های هسته ای برای اصول گرایان نمادی از پیشرفت و قدرت در داخل و استکبارستیزی در سیاست خارجی معنا می شد. به طور کلی، گفتمان اصول گرا در صدد برجسته سازی مسئله هسته ای برآمد و قصد خود را برای از سرگیری غنی سازی اعلام کرد. این برجستگی، به خوبی در سخنرانی های انتخاباتی احمدی نژاد و همچنین موضع گیری ها و سیاست های وی در دوران ریاست جمهوری اش، قابل مشاهده است. پیگیری دیپلماسی تهاجمی در پرونده هسته ای توسط دولت اصول گرای احمدی نژاد، تقابل ایران و غرب بر سر موضوع هسته ای را تشدید کرد. در حالی که، گفتمان اعتدال بر محور خردگرایی، به دنبال بیشینه سازی فواید و کمینه سازی هزینه ها براساس بازی برد- برد و تلاش برای یافتن راه حل اصولی و متوازن برای خروج از بن بست هسته ای است. بنابراین، دولت یازدهم سه تاکتیک را برای رسیدن به هدف برگزید. نخست، تغییر تاکتیک رفتاری از طریق مذاکره و گفت و گو و اتخاذ رویکرد آشتی جویانه و متعادل. دوم، تغییر تاکتیک گفتاری از طریق اصلاح بازنمودها و لحن گفتاری، اظهارنظرهای احتیاط آمیز در مجامع بین المللی، تصحیح کلمات و اصطلاحات و کاربرد ادبیات مناسب در سیاست خارجی و تولید گفتمان متناسب با تحولات منطقه و جهان در چارچوب راهبرد تعامل سازنده و مؤثر؛ و سوم، تغییر تاکتیک عملی با اتخاذ رویکردهای عملیاتی و دیپلماسی نتیجه بخش در چارچوب زمانی مشخص و به کارگیری رهیافت ایجابی و تعامل گرایانه برای مدیریت اقدام و مهارت دیپلماتیک در بهره گیری از عنصر زمان. البته همه این نرمش های رفتاری، گفتاری و عملی باید در چارچوب منافع ملی و اصول ثابت سیاست خارجی صورت پذیرد. پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار بود که هرچند از بُعد جناحی و حزبی تفاوت فاحشی در رهیافت دولت احمدی نژاد و روحانی وجود دارد؛ اما از چشم انداز نظریه سیستمی دیوید ایستون و نظریه ساختاری کنت والتز در روابط بین الملل، در رفتار جمهوری اسلامی ایران در هر دو دولت نسبت به برنامه هسته ای ایران، تفاوتی وجود ندارد. دلیل اول این است که ویژگی نظام بین الملل، آنارشیک بودن آن است که دولت ها به عنوان بازیگران اصلی بین المللی محسوب می شوند و هیچ اقتدار عالی به مانند نظام داخلی در پهنه جهانی وجود ندارد و دولت ها برای امنیت خود نیازمند کسب قدرت، حفظ قدرت و نمایش قدرت هستند؛ تا از این طریق در چارچوب اصل بازدارندگی و موازنه قدرت در وضع صلح آمیزی زندگی کنند.

با تطبیق تحلیلی رهیافت دولت احمدی نژاد و دولت روحانی به انرژی هسته ای و نوع تعامل آنها با قدرت های بزرگ، می توان این نتیجه را مورد بحث قرار داد که ساختار نظام بین الملل از چشم انداز نظریه سیستمی دیوید ایستون و کنت والتز، سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران را تعیین کرده و موجب رفتار مشابهی از سوی دولت احمدی‌نژاد و دولت روحانی شده است. دولت احمدی‌نژاد از همان ابتدا با قطع رابطه و بی‌توجهی به قدرت‌های بزرگ و بی‌تفاوتی به تحریم‌های اعمالی از سوی سازمان ملل متحد و دولت ایالات متحده آمریکا، سیاست‌گذاری هسته‌ای خود را در پیش گرفت. اما با به قدرت رسیدن حسن روحانی، هرچند مسیر تعامل با قدرت‌های بزرگ در ارتباط با انرژی هسته‌ای را در پیش گرفت و در نهایت به توافقی تحت عنوان برجام با قدرت‌های بزرگ دست یافت؛ اما در نهایت، به همان سیاست و جهت‌گیری روی آورد که دولت احمدی‌نژاد در پیش گرفته بود. دلیل مشابهت سیاست‌گذاری هسته‌ای دو دولت با دو دیدگاه سیاسی متفاوت را، باید در ساختار نظام بین‌الملل جستجو کرد. همانگونه که در تئوری سیستمی ایستون خاطر نشان شد، هر سیستمی داده‌های ورودی و داده‌های خروجی دارد. داده‌های ورودی سیستم، توسط اجزا مورد دخل و تصرفی قرار می‌گیرد و سپس به‌عنوان نتیجه از سیستم خارج می‌شود. مهم‌ترین جزء هر سیستم سیاسی، دولت است و دیدگاه سیاسی دولت و تعلقات حزبی دولت در تفسیر داده‌های ورودی به سیستم، تأثیر به‌سزایی دارد. اما این تعلقات و دیدگاه‌های دولت‌ها در سطح سیستم بین‌المللی و تأثیری که ساختار نظام بین‌الملل بر خروجی‌های سیستم می‌گذارد، موجب تشابه رفتار در موضوعی خاص، مثلاً انرژی هسته‌ای می‌گردد. همانطور که مطابق تئوری کنت والتز، درست است که توانمندی دولت‌ها متفاوت بوده و نوع نگاه سیاسی دولت‌مردان و کارگزاران سیستم بین‌المللی در دولت‌ها متفاوت است؛ اما ساختار نظام بین‌الملل که برحسب قدرت‌های بزرگ تعریف می‌شود و به صف‌آرایی و آرایش اجزاء سیستم بین‌المللی اشاره دارد، رفتار مشابهی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند. برای نمونه، رفتار دولت روحانی در قبال قدرت‌های بزرگ بر موضوع انرژی هسته‌ای بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، در همان مسیری قرار گرفت که پیشتر توسط دولت احمدی‌نژاد، آن مسیر را تجربه کرده بود. نتیجه اینکه، با عنایت به تقدم ساختار بر کارگزاران سیستم بین‌المللی، دیدگاه‌های سیاسی و تعلقات جناحی و حزبی در دولت جمهوری اسلامی ایران در موضوع انرژی هسته‌ای، تأثیری در سیاست‌گذاری‌های مربوط به این موضوع ندارد و این ساختار سیستم بین‌المللی است که تعیین‌کننده رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد انرژی هسته‌ای است.

جدول ۲- تفاوت‌های برنامه هسته‌ای در دو دوره ریاست جمهوری

حسن روحانی	محمود احمدی‌نژاد
۲۲ ماه مذاکره	۸ سال مذاکره
وزارت امور خارجه نهاد مسئول مذاکرات بود	شورای عالی امنیت ملی نهاد مسئول مذاکرات بود
پرونده هسته‌ای از حالت امنیتی به حالت دیپلماتیک درآمد	پرونده هسته‌ای حالت امنیتی داشت
تیم مذاکره کننده از دیپلمات‌های وزارت امورخارجه بودند	تیم مذاکره کننده خارج از دستگاه دیپلماسی بودند

مسئول مذاکرات در این دوره محمدجواد ظریف بود	مسئول مذاکرات در این دوره، ابتدا علی لاریجانی بود و بعد از ایشان سعید جلیلی مسئول مذاکرات شد
شکسته شدن اجماع جهانی علیه ایران	به وجود آمدن اجماع جهانی علیه ایران
ایران به صورت گسترده در خصوص حق برخورداری از انرژی هسته‌ای با ایالات متحده آمریکا مذاکره کرد	موانع دیپلماتیک مذاکرات مستقیم ایران با ایالات متحده آمریکا در خصوص انرژی هسته‌ای رفع شد
سیاست اصلی در این دوره خارج کردن پرونده ایران از شورای امنیت، و لغو کلیه تحریم‌های صورت گرفته علیه ایران در پرونده اتمی توسط اتحادیه اروپا و آمریکا بود (رویکرد تعامل با جهان)	سیاست اصلی در این دوره تغییر نگاه راهبری از اروپا به شرق، با هدف نزدیکی به چین و روسیه و همچنین مقاومت در برابر خواست‌های شورای امنیت در تعلیق غنی‌سازی بود (رویکرد تقابلی با اردوگاه غرب)
روش مذاکره تعاملی و مذاکره برای توافق برد-برد بود	روش مذاکره غیرتعاملی و مذاکره برای مذاکره بود
مهم‌ترین توافقات در این دوره توافق موقت ژنو، توافق لوزان و توافق جامع اتمی بود	مهم‌ترین توافقات در این دوره، توافق ژنو بود
پیشبرد برنامه هسته‌ای به عنوان حق ایران همزمان با رشد و توسعه اقتصادی	پیشبرد برنامه هسته‌ای به عنوان حق مسلم ایران و تحمل تحریم‌ها
خارج شدن پرونده ایران از شورای امنیت	ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت
مسئله برنامه هسته‌ای ایران از حالت امنیتی بودن خارج شد	مسئله برنامه هسته‌ای ایران به مسئله امنیتی تبدیل شد

منابع

باقری دولت آبادی، علی؛ شفیعی، محسن (۱۳۹۳). *از هاشمی تا روحانی، بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌نگاری*. تهران: تیسرا.

مرد پشت پرده مذاکرات محرمانه ایران و آمریکا کیست؟/ تهران-واشنگتن از ماه‌ها پیش مشغول مذاکرات سری بودند. پایگاه

خبری تحلیلی/انتخاب (۱۳۹۲/۹/۴). قابل دسترس در: <https://www.entekhab.ir>

خلیلی، رضا (۱۳۹۵). پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام. *مطالعات راهبردی*، ۱۹(۲)، ص ۱۳۱-۱۵۸.

دارابی، علی؛ احدی، افسانه (۱۳۹۶). رسانه، سیاست خارجی و اجماع‌سازی در برنامه هسته‌ای ایران: مطالعه‌ای تطبیقی. *روابط خارجی*، شماره ۱، ص ۳۳-۶۷.

- دارمی، سلیمه (۱۳۸۷). وقایع‌نگاری تحولات هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۶. در: محمودرضا گلشن‌پژوه، پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها (۴). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ص ۴۷-۹.
- دریایی، محمدحسن (۱۳۹۴). مذاکرات هسته‌ای برای حصول برنامه جامع اقدام مشترک تا بیانیه سوئیس (لوزان). در: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان. تهران: وزارت امور خارجه، ص ۶۱۷-۵۸۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ نوری، وحید (۱۳۹۰). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- صالحی، علی اکبر (۱۳۹۴). جلیلی فکر می‌کرد برای اهداف خاصی راه مذاکره با آمریکا را باز کرده‌ایم. دیپلمات، شماره ۳، ص ۲۳-۲۴.
- غیور، رامین؛ جعفری، هانیه (۱۳۹۵). قدرت نرم و توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱. سیاست بین‌الملل، شماره ۲، ص ۸۶-۱۱۸.
- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۹۵). سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای ایران. تهران: انتشارات تپسا.
- موسویان، سید حسین (۱۳۹۴). روایت بحران هسته‌ای ایران: ناگفته‌های یک دیپلمات. ترجمه رحمن قهرمان‌پور. تهران: تپسا.
- بصیری، محمدعلی؛ قاسمی، مصطفی (۱۳۹۵). مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۲۶-۲۲۵، ص ۱۱۹-۱۰۴.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها. تهران: قومس.
- خالوزاده، سعید (۱۳۸۵). ارزیابی گفتگوهای سازنده بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا (در نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- خالوزاده، سعید (۱۳۹۱). دیپلماسی تحریم اتحادیه اروپا در برابر برنامه هسته‌ای ایران. پژوهشنامه سیاست بین‌الملل، شماره ۱، ص ۶۷-۵۰.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۳). انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و چشم‌انداز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، شماره پیاپی ۶۳، ص ۱۵۴-۱۲۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴). گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و اروپا: از آغاز تا نشست بروکسل. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۱۲-۲۱۱، ص ۷۱-۵۲.
- زلفعلی فام، حسین (۱۳۹۴). دیپلماسی اعتدال‌گرا و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات افکار عمومی، شماره ۱۵، ص ۲۲.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۳). انتخاب مجدد بوش و جمهوری اسلامی ایران. سیاست خارجی، شماره پیاپی ۷۱، ص ۵۲۲-۴۴۷.
- گلشن‌پژوه محمودرضا (۱۳۸۳). پذیرش پروتکل الحاقی توسط ایران. در: پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ص ۶۹۱-۱۶۵.

گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۴). *از آغاز فعالیت تأسیسات اصفهان تا بیستم مرداد ماه*. در: پرونده هسته‌ای ایران (۲): روندها و نظرها. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ص ۸۳-۹۴.

عباسی، مجید (۱۳۹۱). چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در دوره پس از ۱۱ سپتامبر. تهران: دانشگاه امام صادق (ص).

عیوضی، محمدرحیم؛ نوازی، علی (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و روحانی در مواجهه با سازمان ملل متحد. *مطالعات دفاعی/استراتژیک*، شماره ۵۸، ص ۳۹-۷۴.

فلاحی، سارا (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد: تا پایان قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۶، ص ۵۳-۸۶.

سخنان روحانی با اعضای کابینه (۱۳۹۴/۰۴/۲۴). برگرفته از: <http://www.president.ir>

سایت خبری سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۸۸/۰۷/۱۰ برگرفته از: <https://www.tabnak.ir>

سایت خبری سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۸۹/۰۹/۱۶ برگرفته از: <https://www.tabnak.ir>

سایت خبری سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۹۱/۱۲/۱۳ برگرفته از: <https://www.tabnak.ir>

سایت خبری سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۹۲/۰۱/۱۷ برگرفته از: <https://www.tabnak.ir>

Duncombe, C. (2016). Representation, Recognition and Foreign Policy in the Iran-US Relationship. *European Journal of International Relations*, 22(3), p. 645-622.

Kelly, R. (2013). The Nuclear Agreement with Iran. Norwegian institute of international Affair

Mahapatra, Ch. (2016). US-Iran Nuclear Deal: Cohorts and Challenger. *Contemporary Review of the Middle East*, 3(1), p. 36-46.

Sterio, M. (2016). President Obama's Legacy: The Iran Nuclear Agreement? *Case Western Reserve Journal of International Law*, 48(1), p. 82-69.

Kessler, G. (2007). *The Confidant: Condoleezza Rice and the Creation of the Bush Legacy*. London: Macmillan.

Vishwanathan, A. (2016). *Iranian Nuclear Agreement: Understanding the Nonproliferation Paradigm*. <https://doi.org/10.1177/2347798916632321>

Heinonen, O. (2014). *The Iranian Nuclear Programme Practical Parameters for a Credible LongTerm Agreement*. Henry Jackson Society.

Kamrava, M. (2008). The United States and Iran: A Dangerous but Contained Rivalry. *Policy Brief*, no. 9.

Buzan, B. (1984). Peace, Power, and Security: Contending Concepts in the Study of International the Relations. *Journal of Peace Research*, 21(2).

